

آداب و مراسم نوروز در سقز

آزاد کریمی



یادش بخیر مادر بزرگ مهربان و دوست داشتنی ام در نوروز همان سال ها بود که با لهجه ی غلیظ کردی یک شعر یا تصنیف فارسی را که در باب نوروز سروده بودند – نمی دانم شاعرش چه کسی بود – برایم زمزمه می کرد:

نه ورۆزه شوت نه ورۆزه شوت

گول دهر چه من ئه فرۆزه شوت

نه ورۆزی نهو باز ئامه ده

بولبول به ئاواز ئامه ده

کاری جیهان ساز ئامه ده

معادل فارسی شعر درب و داغان شده ی بینوا را که مادر بزرگم برایم می خواند خیلی از آدم قدیمیها به یاد دارند:

نوروز شد نوروز شد گل در چمن افروز شد

نوروز نو باز آمده بلبل به آواز آمده
کارجهان ساز آمده

برای من نوروز یادآور سالهای قدیم است. زمانی که دخترخانم های همسایه برایمان تخم مرغ رنگ کرده می آوردند در حالیکه روی آن را با یک پارچه ی رنگی پوشانده بودند و دیگر اینکه آتش بازی می کردیم و ترقه هوا می کردیم و از نعره ی انفجار باروت لذت می بردیم. نوروز برای دانش آموزان یعنی نوشتن مشق های بسیار سنگین از کتاب فارسی و حساب و هندسه که معلم های منضبط و سختگیر آن زمان برایمان تعیین می کردند و دلهره ی تمام کردن آنها در سر وقت یعنی قبل از ۱۴ فروردین نوروز تعطیلاتش را به کام ما والدین سختگیرتر از معلم هایمان تلخ می کرد. مادر بزرگ که شعر فارسی نوروزی برایم می خواند در اینگونه مواقع سکوت پیشه می کرد چون می دانست نمی تواند کمکی کند ولی در نگاهش می خواندم که آرزو دارد در نوشتن مشق های کمر شکن به من کمک کند ولی بنده ی خدا سواد نداشت اصولاً در زندگی گذشته ی او و بسیاری از مادر بزرگ های همسن و سال او سواد مفهوم و معنایی نداشت. به قول خودش وقتی داشتن یک عروسک پارچه ای که مادر بزرگش از پارچه و پشم برایش درست کرده بود برایش یک گناه غیر قابل بخشش بود فرستادن او به مدرسه ای که در دوره ی او اصولاً وجود نداشت چه مفهومی می توانست داشته باشد . . .

نمی دانم در لابلای تمامی حرفهای بسیاری که با هم داشتیم آیا در مورد نوروز از او سوال کرده ام یا نه؟ سالهای زیادی از مرگ ناموقتش می گذرد - برای فرشته ی مرگ همه مرگ ها سر بزنگاه است - و من هم دارد کم کم دچار آلزایمر پیش از موقع می شوم ولی هر چیزی که بوی دوران کودکی ام را به مشام حافظه ام برساند یادآور خاطره ای از مادر بزرگ است :

روز اول ماه رمضان، صبح عید فطر، بوی میخک خشک شده، اولین نوبر از گیاه «لووشه» که مخصوص کوهستانهای منطقه ی سقز است و با آن آش دوغ (دوخوا - کردی) درست می کنند، نبات، نماز و کوچه های محله ی «سهرپهچه» که همیشه برایم خاطره انگیز هستند و تمامی دوستانش که حالا دیگر همگی آنها مرده اند و دلم برای آنها و مادر بزرگ و نوروزهای آن سالهای جادویی و پیغام پس غام ها و سفارش هایی که توسط من میانشان مبادله می شد تنگ شده و برای همین است که اکثر دوستان کنونی من افرادی هستند که ۴۰ یا ۵۰ سال از من بزرگتر هستند شاید خاطره ی پاره شده ی آن سالهاست که در من عقده ی یافتن محبت پاک و صمیمی از

دست رفته ی مادر بزرگ را ایجاد کرده است با اینحال نوروزی دیگر هم دارد می آید و با لبخند می روم تا از او استقبال کنم مثل همان روزهای سبز آجین و نورانی گذشته که مادر بزرگ به خانه ی پدری ام می آمد و من مثل ترقه ی آتش گرفته می جهیدم و مقدمش را خوش آمد می گفتم و با تمام اینها قصدم بر این است که درباره ی نوروز بنویسم چون می دانم شما هم مثل من عزیز نازنینی دارید که با آمدن نوروز به یادش می افتید و یادش را گرامی می دارید همچون گرامی داشت نوروز که یک سنت دیرپای و دیرسال برای اقوام ایرانی و حتی غیر ایرانی است:

استاد گرامی ام آقای مصطفی کیوان که خداوند پایدارش دارد اکنون در تهران افتخار تدریس در دانشگاه در رشته ی ادبیات فارسی دارند. ایشان از سالهای خیلی گذشته در کردستان و در تهران دبیر آموزش و پرورش بوده اند. کتابی تحت عنوان «نوروز در کردستان» که در سال 1349 منتشر کرده اند با سخاوت و مهربانی برای بنده ارسال فرموده اند. این کتاب ذی قیمت و نایاب را با کمال افتخار نگهداری کرده ام و این یادگار بسیار بزرگی برای من است و با اجازه ی ایشان و به بهانه ی نوروز ذکر خیری از ایشان به میان آورم و از مطالب کتاب مذکور در تدوین مقاله ی پیش رو استفاده فراهم کرد. . . . ایشان در صفحه ی ۶۶ کتاب خود دو بیت از شعری که همشهری شاعرمان مرحوم «نافع مظهر» سروده ان آورده اند و من هم در ابتدای سخن نقل می نمایم:

شهمال له نووچکهی کیوی نهکەرۆز هینایه سهقز پهیمی نهوڕۆز
ووتی ئەم جهژنه‌ی کاوه و فه‌هیدون له کوردانی پاک پیروژ بی پیروژ

نه که روز (نکروز - فارسی) در زاویه ی جنوب سقز ، کوه بزرگ و بالابلندی است که به قول استاد گرامی آقای کیوان ، بدون شک نام آن مصحف نام نوروز در زبان پهلوی است. این کوه در دهستان سرشویو (سه رشیو - کردی) واقع و ۲۵۰۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد از قدیم الایام نام باستانی و کلمه ای از کلمات اصیل کردی و پهلوی اطلاق شده است چه از آنجا که نوروز را در پهلوی «نوگ روز» و «نوکرز» هر یک از دو صورت با واو مجهول می گفته اند می توان گفت به احتمال زیاد در روزگاری در پای این کوه و یا بر بالای آن مراسم آتش بازی نوروز انجام می گرفته و به مرور زمان و در نتیجه ی تکرار کلمه ی «نکروز» یعنی مصحف «نوگ روز» پهلوی بر آن اطلاق گشته است. در یکی از ترانه های عامیانه و قدیمی محلی نیز به نام این کوه به نحوی اشاره شد که می توان آن را تاییدی بر این وجه دانست:

خالی ها وه بان گۆنای پیروژۆ هەر وهک چرایه به نهکەرۆزۆ

شکی نیست که تصور چراغ بر روی کوه نکروز (نوروز) الهامی از داستانهای محلی درباره آتش بازی بر روی این کوه و نشانی از علاقه مردم آن دیار به بزرگترین جشن ملی و باستانی و مراسم دیرینه آن بوده است:

• نوروز از کجا آمده است!؟

افسانه یا اسطوره ی ضحاک را می دانیم: ضحاک پنجمین شاه پیشدادی شاه جمشید را با اهره بکشت و براریکه نشست و دو مار بر دوش او چنبره زده و طلب مغز آدمیان کرده و نزدیک بود که نسل انباء بشر منقرض شود ولی کاوه ی آهنگر که پسرانش را کشته و فدای مارهای شیطانی ضحاک کرده بودند با فریدون که پدرش نیز به سرنوشت پسران کاوه دچار شده بود قیام کرده و ضحاک را بکشتند و فریدون بر تخت نشست و شاه ایران زمین گردید. این واقعه در نوروز اتفاق افتاد. البته ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه می گوید: در روزگار تهمورس مندائی نوروز آشکار شد و چون جمشید به پادشاهی رسید دین خود را تجدید کرد. در روز پنجم نور ز شکر پدید آمد و مردم به جهت تبریک به یکدیگر هدیه فرستادند . . . و ششم فروردین نوروز بزرگ است . . . (نوروز در کردستان - ص 4)

بلعمی در ترجمه ی تاریخ طبری تالیف ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید طبری می نویسد: . . . روز هرمزد بود از ماه فروردین، پس از آن روز را نوروز نام کرده، تا اکنون سنت است.

• نوروز و بازگشت ارواح به دنیای زندگان طبق آموزه های باستانی

آریاییان قدیم به ارواح نیاکان و در گذشتگان خود احترامی خاص قائل می شدند . . . مرده پس از مرگ احترامش همچنان با نیرو و قدرت محفوظ می ماند. بازماندگان معتقد بودند که روحش پس از مرگ مانند گذشته حاضر و ناظر است . . . ایرانیان قدیم حتی پیش از زمان زردشت معتقد بودند که فره وهرها یا ارواح در گذشتگان آنها در روزهای پایان هر سال به خانه و کاشانه ی خود و به میان فرزندان و نوادگانشان باز می گردند و مدتی را با آنان می گذرانند. در اوستا فروردین پشت کرده ی 13 در این باره چنین آمده است: فروهرهای نیک توانای پاک مقدسین را می ستاییم که هنگام

همسپتدم از آرامگاههای خود بیرون شتابند در مدت ده شب پی در پی اینجا برای آگاهی یافتن به سر برند. واژه ی اوستایی همسپتدم نام ششمین گاهنبار سال است (همان ماخذ ص ۱۰)

• نوروز پس از ورود اسلام به ایالات متعدد ایرانی در خاورمیانه و آسیای میانه

در عهد خلفای راشدین حضرات (ابوبکر - عمر - عثمان - علی) درود خدا بر آنها باد، کارگزاران اسلامی در قلمرو ساسانی سابق وجوه دیوانی را به همان دستورالعمل قدیم از خراجگزاران می پذیرفتند از جمله آنچه را به نام هدایای نوروز و مهرگان پرداخته می شد می گرفتند.

لویی دبو در کتاب تاریخ ایران می نویسد:

... این عید را به مناسبت انتصاب حضرت علی به خلافت جشن می گیرند و بزرگ می شمارند (همان ماخذ - نقل از نشریه نوروز تهیه شده در اداره آمار و بررسی های وزارت اطلاعات و جهانگردی).

خلفای اموی برای افزودن درآمد خود هدایای نوروز را از نو معمول داشتند بنب امیه هدیه ای در عید نوروز بر مردم ایران تحمیل می کردند که در زمان معاویه مقدار آن به پنج تا ده میلیون درهم بالغ می شد (همان ماخذ - نقل از محیط طباطبایی، تهران مصور، شماره های ۸۶۴ تا ۹۱۶) در نتیجه ظهور ابومسلم خراسانی و روی کار آمدن خلفای عباسی و نفوذ " برمکیان" و دیگر وزرای ایرانی و تشکیل سلسله طاهریان جشن های دیرین ایرانی از نورونق یافتند. (همان ماخذ - ص ۴۷) در دربار آل بویه نیز این جشن با شکوه تمام برگزار می شد (همان ماخذ - ص ۵۱).

به طور کلی سلسله های مختلفی حتی آنان که از نژاد بیگانه بوده اند به مراسم نوروز و مهرگان اهمیت خاصی می داده اند. غزنویان، سلجوقیان خوارزمشاهیان و اتابکان، مغول ها و تیموریان نیز از این شیوه ها پیروی کرده اند (همان ماخذ - ص ۵۱) نوروز در زمان صفویه شکوه و جلال گذشته را بازیافت (همان ماخذ، ص ۵۳) نادرشاه افشار حتی در ایام جنگ و جدال از اجرای مراسم این جشن خودداری نمی کرد (همان ماخذ ص ۵۶) و بالطبع قاجاریه هم.

• نوروز در داستانهای کردی

آقای مصطفی کیوان دز بخش دوم کتاب ذی قیمت نوروز در کردستان آورده است : چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح «کی مورس» نامی از نژاد کرد پیدا شد و از همان ابتدای کار اهریمن نامی با وی به دشمنی برخاست ،کی مورس (کهی مورس - کردی) در کوهستانهای رواندز با اهریمن به جنگ پرداخت و در آغاز پیکار به سپاهیانش فرمان داد که در صورت پیروزی بر دشمن و کشتن اهریمن بر ستیغ کوهها و بالای تپه ها و گردنه ها برجهایی از آتش برافروزند تا هم نشانی بر اعلام پیروزی باشد و هم فرمانی بر بازگشت سپاه از جبهه ها به نزد وی. سرانجام پیکار با اهریمن به پیروزی سپاه کی مورس پایان یافت آتشیها بر بالای کوهها زبانه کشید و با تابش شعله های پیروزی حق بر باطل و شکست اهریمن به آگاهی عامه رسید روز پیروزی بر دشمن ده روز پیش از موقع نوروز کنونی بود کی مورس فرمان داد نه تنها آن روز بلکه 9 شبانه روز پس از آن را همراه با افروختن آتش مراسم جشن و سرور بگذرانند. سپاهیان پیروز در اجرای این دستور مدت نه روز را در کوهساران و چمنزارها بر فراز تپه ها و در دامن دشت ها پای کوبان و شادی کنان در مراسم ویژه ی «جه ژنی ۹ روژ» گذراندند. چهارصد سال پس از کی مورس ضحاک نامی با سپاه عظیم خود از اورشلیم به سوی کردستان روی آورد و این سرزمین را اشغال کرد .. ضحاک دو مار داشت که آنها را می پرستید و به مردم نیز دستور داد که در مقام پرستش مارها ی وی برآیند . . . سرانجام کاوه ی آهنگر پیدا شد . . . پیوسته درباره ظلم و زور ضحاک و راه مبارزه با آن می اندیشید . . . این بود که در سپیده دم جشن «۹ روز» که برابر است با بیست و یکم ماه آدار (مارچ) به همدستی یارانش به سوی مرکز ستمگری ضحاک یورش برد . . . با چکش بر فرق ضحاک نواخت و او را نقش بر زمین ساخت . . . بدین ترتیب جلوه جاودانی . خاطره شکوهمند نوروز که زمینه اصلی آن از دوره کی مورس (کیومرث- فارسی) بود بر صفحه روزگار نقش بست.

• منشا پیدایش نوروز در ادبیات فارسی و کردی

در غالب داستانهای مربوط به پیدایش نوروز از جمشید پادشاه مشهور پیشدادی به عنوان بنیان گذار این جشن یاد گردیده است جز اینکه خیام در «نوروز نامه» پیدایش نوروز را از زمان کیومرث می داند و سخنی از ابوریحان نیز همین عقیده را تایید می کند. در واقع گفته های این دو دانشمند شاهد و

تاییدی است بر داستان قدیمی کردی که به موجب آن پیدایش نوروز و زمینه اصلی این جشن مربوط به زمان کیومرث است.

• تفاوت عرفی برخی از آداب نوروزی در مناطق غربی و مرکزی ایران

کردها در روز ۲۱ مارچ یا روز اول فروردین آتش می افروزند و برگردان به شادمانی و سماع و رقص می پردازند گرچه شب قبل را هم آتش افروخته اند و به آن «ناگری ئیواره نه وروز» یا آتش شب نوروز می گویند. ایرانیان مرکزی تنها بر افروختن آتش در شب عید نوروز اکتفا می کنند. البته آنها سفره ی هفت سین را که از ۷ صنف خوراکی و غیرخوراکی تشکیل شده است در خانه می گسترانند و تا پایان مراسم عید این سفره همچنان گسترده است و آنرا نماد خیر و برکت و تندرستی می دانند در مناطق غربی ایران این سفره مرسوم نیست ولی تنها به پختن سمنو (سه‌مه‌نی - کردی) و رنگ آمیزی تخم مرغ و پختن اقسامی از کلوچه و شیرینی می پردازند.

• پیش درآمدهای نوروزی

علاوه برخانه تکانی و نظافت و پیراستگی منزل و اثاث البیت و لباسها و دور ریختن کوزه ها و لوازم شکسته و غیرقابل مصرف به امور دیگری نیز می پردازند از جمله پرداخت عیدی (جه ژنانه - کردی) به افرادی که متصدی امور عام و اجتماعی هستند در گذشته شامل دلاک، سمانی - حمامچی - باغبان - میرآب و . . . می شد.

• چهارشنبه سوری - کوله چوارشهمه

ایرانیان آخرین چهارشنبه سال را که نحس ترین روز سال می دانند به این نام می خوانند. البته کردها علاوه بر چهارشنبه سوری آخر سال شمسی، یک چهارشنبه بدیمن دیگر که در آخر ماه صفر، که یکی از ماههای حرام در شریعت اسلام است نیز دارند و به آن «کوله چوارشهمه - کردی» می گویند و آن را یک روز بدیمن و بدفال می دانند. در این روز معمولاً به سفر نمی رفتند، معاملات را

تعليق کرده و به روز ديگري موکول می کردند از خرج کردن پول و رفتن يه سرکار و مغازه هايشان خودداری می کردند و البته برای رفع چشم زخم اسپند دود می کردند. و به زیارت اهل قبور و اماکن متبرکه که به آنها «پير» می گویند می رفتند و برای طلب شفا دعا می کردند. در این روز نحس شکستن کوزه های سفالی به نیت رفع شومی و نحوست باب بوده است.

در این روز مردم دسته دسته به بیرون از خانه و شهر می رفتند، طبق نوشته ی آقای کیوان برخی از زنها قیچی هایی همراه می بردند و از موی سر بچه های خود چند تار قیچی می کردند و دور می اندازند و به این ترتیب دردها و ناراحتی های آنان را به دست نسیم و باد و امواج رودخانه ها می سپارند. خود نیز همراه برگشتن 4 عدد سنگریزه جمع کرده و در حال حرکت آنها را از روی شانه های خود به پشت سر پرتاب می کنند و بدین طریق افسردگی های دل را در دامن دشت و صحرا به جای می گذارند (نوروز در کردستان – ص ۹۱) معمولا در نقاط مختلف کردستان، خاکستر آتش چهارشنبه سوری را به خارج از محیط خانه می ریزند . . . کسیکه این خاکستر را از خانه بیرون می برد چه هنگام رفتن و چه موقع برگشتن نباید به پشت سر خود بنگرد دیا با کسی گفتگو کند (همان ماخذ – ص ۱۹۴)

بدین ترتیب برگزاری مراسم چهارشنبه سوری یا کوله چوارشه مه درواقع مقدمه ای برای آتش نوروز است.

• آتش یا «ئاگر» نوروز

آتش از گذشته های بسیار دور مورد توجه خاص کلیه ی ملل روی زمین بوده و یکی از ارکان مهم زندگی بشر به شمار می رفته است. آتش یک نوع وسیله ارتباط جمعی یا مخابراتی در قدیم بوده است. بوسیله ی آن از اخبار مهم اطلاع حاصل می کردند. احترام به آتش یکی از وظایف مهم ایرانیان قدیم به شمار می رفته است (تاریخ اجتماعی ایران از دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ – سعید نفیسی ص ۲۴) آتش یکی از عناصر چهارگانه طبیعی مورد احترام زرتشتیان نیز بوده است. ئاگر یک کلمه ی «مادی» است که زبان کردی یعنی خلف انکار ناپذیر زبان مادی آنرا مانند بسیاری از کلمات زبانهای باستانی ایرانی به صورت دیرین خود نگاه داشته است. بدون شک مراسم کنونی آتش

بازی نوروزی بر مبنای این پیشینه تاریخی و راه و رسم دیرین استوار است. (نوروز در کردستان – ص ۱۵)

حلول نوروز و تغییرات جوی

بر لشکر زمستان نوروز نامدار کرده است عزم تاختن و قصد کار زار
این باغ و راغ ملکت نوروز ماه شد این کوه و کوهپایه و این جوی و جویبار
(منوچهری)

شکوه، عظمت، زیبایی و نشاطی که از این مراسم شهود است همه چیز را جز یاد نوروز، از یاد می برد. (همان ماخذ، ص ۱۰۸)

نوروز در کشور ایران مبنای تغییر فصل و آغاز سال جدید بر اساس تقویم جلالی با تقویم خورشیدی است. مبنای این تغییر سال، هجرت پیامبر اسلام (ص) از مکه زادگاه او به شهر مدینه پایتخت اداری مسلمانان در سال ۶۲۳ میلادی است. این تقویم در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به دستور رضا شاه وارد فرهنگ اجتماعی و سیاسی ایرانیان گردید. قبل از آن روز شمار ایرانیان طبق تقویم قمری حساب می شد. البته مردمان بسیاری از کهنسالان کرد زبان و دیگر ایرانیان هنوز گاهشمار خود را بر مبنای دو تقویم قمری و شمسی انجام می دهند و آنها هم حساب روزها بر اساس برج شمسی را در دست دارند و هم روزها بر حسب ماه قمری. البته کرد زبانان در عراق و ترکیه و فارس زبانان در تاجیکستان گاهشمار خود را بر طبق تقویم میلادی تنظیم می کنند که آنها هم یک تقویم بر حسب سال خورشیدی است و آغاز آن از یازدهم دی ماه هر سال می باشد.

نوروز روز اول برج حمل یا گوسفند که بر اساس برج دوازده گانه ی حیوانی نام گذاری شده اتفاق می افتد، برج حمل یا فروردین ماه اول بهار است و در ابتدای این ماه زاویه ی تابش خورشید به زمین تغییر می کند و این تغییر باعث گرم شده هوا و زنده شدن طبیعت در پس سرمای چند ماهه زمستان و پاییز می شود. . . . روزها بلند شده و شب ها کوتاه تر می گردد.

مراسم نوروزی

بچه ها از آتش بازی و صدای ترق و تروق انفجار مواد آتش زا لذت می برند و بزرگسالان هم در این آتش بازی مشارکت می کنند. فارغ از خطرات ناشی از این مراسم و استفاده از مواد آتش زا به معرفی بعضی از مواد و یا وسیله های آتش بازی در گذشته می پردازیم که البته استفاده از آنها متروک و منسوخ شده مانند نارنجک که از زرنیخ و سنگریزه ساخته می شد و یا «فیشه که شپته» ، "حاجی حه وت تخته" ، «شهمچهی ماوزهر» ، "گوله قورینه" ، "کليله" و "پستانه و تهنتهنه".

صدای انفجار این مواد آتش زا با طنین شادی و غریو بچه ها و بزرگسالان به همراه نوای دهل و سرنای چاووشی که در کنار کومه های بزرگ آتش برگزار می شد اوج هیجان و لذت مردمان این سرزمین پهناور را در استقبال بهار نشان می داد. در کتاب نوروز در کردستان صفحه ی 109 آقای کیوان می نویسد : به طوریکه پیرمردان نقل می کنند زمانیکه حمل اسلحه ممنوع نشده بود اهالی شهرها و روستاها در شامگاه نوروز به استفاده از تفنگ می پرداختند و با تیر اندازی های پی در پی هوایی به استقبال سال نو می شتافتند.

بازی های نوروزی

مجبورم دوباره به سراغ کتاب «نوروز در کردستان» استاد فرزانه آقای مصطفی کیوان بروم ، این کتاب ذی قیمت در چهل سال پیش نگارش شده و انصافاً اگر این کتاب در دسترس اینجانب نبود تهیه این مطالب با دشواری مواجه می شد. با تمامی پرس و جوهای بنده در باب بسیاری موضوعات از همشهریان گرامی چندان درباره ی مراسم نوروزی آگاهی به دستم نرسیده بود. اما کتاب مذکور به علت قدمت و همچنین مستند بودن آن قابلیت بالایی در موضوع نوروز در کردستان و سقز دارد ، به جهت اینکه کلام به درازا نکشد تنها به نام چند بازی که در قدیم در سقز و اطراف آن مرسوم بوده است اکتفا می کنم.

-آویختن شال از روزنه ها و بام ها

شال کمر را که در بخش پوشاک شرح دادیم چند تن از جوانان که تشکیل دسته ای می دادند و از هر دسته یک نفر از کمر می گشود، از روزنه ی پشت بام ها به پایین آویزان می کردند و با صدای بلند می گفتند هه لاهه ،مه لاهه، کورتان ببی به زاوا، شنتیکمان بو بخنه تاوه «یعنی هه لاهه ،ملاوه ، پسران داماد باد، چیزی برای ما در لای شال بگذارید!

به هدایایی که در داخل شال می گذارند «ناوشالانه» می گویند.

هه ته ری و مه ته ری

-در نوعی دیگر از یک نوع زنبیل که از ترکه ی درخت بید بافته می شود و سقزی ها به آن «چه په ر» می گویند استفاده می شود و با رفتن به دم در خانه ی همسایه ها و دق الباب و گفتن : هه ته ری و مه ته ری ،شنتیکمان بو بخه نه ناو چه په ری . . . طلب هدیه می کردند.

-کوسه برنشین (کوسه - کردی) و میر نوروزی (میر میرین - کردی)

که بخش فکاهی نوروزی است به جهت خندان مردم در ایام نوروزی از دیربازان در میان این مردم رواج داشته ، شرح این دو بازی را آقای مصطفی کیوان در کتاب نوروز در کردستان به تفصیل آورده است.

پایان مراسم نوروزی:

روز سیزدهم نوروز را سیزده به در (سیانزه به در - کردی) می گویند .

در این روز اگر هوا مساعدت می کرد سقزی ها با پختن دلمه که در دیگ های بزرگ بار می گذاشتند به همراهی تمام خانواده و فامیل و همسایه ها به یکی از تفریح گاههای خارج از شهر مانند زه ناو ،کانی ئاغه ره ش ،قویی حاجی زکی ،که وه سوار ،له تیف ئاوا ،باخی قوله و باخی حاجی ئه ورحمان می رفتند و به تفریح و شادمانی و پایکوبی می پرداختند .در غروب روز سیزده بدر همگی ۱۳ سنگریزه را برمی داشتند و با گفتن این ورد :

قه زاو به لای خوم و نازیز و خوشه ویستم به م به ردانه وه پروا !

یعنی قضا و بلای خودم و عزیزان وفامیلم با این سنگ ها دفع شود! سپس سنگ ها را پشت سر خود پرت می کردند و با این عمل از خود دفع نحوست می کردند.

امسال اسفند ۳۰ روزه و سال سال کببسه و در سالهای دوازده گانه ی چینی امسال سال گاو است. گاو سمبل خیر و برکت و حاصلخیزی می باشد به این دلیل از خداوند می خواهیم سال پیش رو برای همشهریان و سایر هم وطنان سرشار از شادی و برکت باشد. نهایتاً از کتاب نوروز در کردستان صفحه ی ۶۷ شعری از " قانع " شاعر کردزبان را نقل می کنیم و این مبحث را به پایان می رسانیم.

موبارهک پی به دلخوشی که جهزنی میر و گاوانه
موبارهک پی به سهر بهستی که نه مرؤ جهزنی لاوانه
موبارهک پی که نه م نه ورؤزه جهزنی میله تی کورده
موبارهک پی به دلخوشی که جهزنیکی قه دیمانه